

آثار و موانع ذکر

ذکر در لغت هم به معنای اذکار لفظی و هم به معنای توجه قلبی و حضور باطنی است. یه عبارتی ذکر کامل و حقیقی خدا عبارت است از حالت خدا بینی روحانی و توجه باطنی به خدای جهان، بطوری که خدا را حاضر و ناظر و خود را در محضر پروردگار جهان بداند. کسی که این چنین خدا را یاد کند به دستورات خدا عمل می‌کند، واجبات را انجام می‌دهد و محرمات را ترک می‌کند به همین جهت است که ذکر خداوند کار آسانی نیست.

در احادیث متعدد از پیشوایان اسلام نقل شده که منظور از ذکر تنها جمله‌هایی مثل «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» نیست. بلکه منظور این است که انسان در همه حال خدا را ناظر اعمال و رفتار خود ببیند نبی اکرم اسلام می‌فرماید: «کسی که خدا را اطاعت کند و گناه نکند به یاد خداست».

مقدمه

ذکر را می‌توان نقطه شروع حرکت باطنی و سیر و سلوک به سوی قرب پروردگار جهان دانست، انسان سالک بوسیله تفسیر کلمه ذکر و اهل ذکر به تدریج از افق ماده بالاتر می‌رود و به عالم صفا و نورانیت قدم بر می‌دارد، کامل و کاملتر می‌شود تا به مقام قرب حق تعالی نائل گردد. یاد خدا به منزله روح عبادتها و بزرگترین هدف تشریح آنها می‌باشد زیرا ارزش هر عبادت به مقدار توجه بنده است.

مراتب ذکر

ذکر دارای درجاتی است که اولین و پایینترین مرتبه آن از تفسیر کلمه ذکر و اهل ذکر لفظی و زبانی شروع می‌شود و تا مرتبه انقطاع کامل و شهود و فنا ادامه می‌یابد.

در مرتبه اول ذاکر چون قلباً به خدا توجه می‌کند به قصد قربت اذکار مخصوصی را بر زبان جاری می‌سازد، بدون اینکه به معنای آن توجهی داشته باشد.

در مرتبه دوم به قصد قربت اذکار را می‌گوید و در همان حال معانی آنها را بر ذهن خطور می‌دهد.

در مرتبه سوم زبان از قلب پیروی می‌کند و ذکر می‌گوید بدین صورت که چون قلب به خدا توجه می‌کند و در باطن ذات به معانی و مفاهیم اذکار ایمان دارد، به زبان فرمان ذکر می‌دهد.

در مرتبه چهارم سالک نسبت به پروردگار جهان حضور باطنی و توجه کامل قلبی دارد و او را حاضر و ناظر و خودش را در محضر مشاهده می‌کند. از غیر خدا بریده و محبتش را به خدا اختصاص می‌دهد. جز خدا کمالی را نمی‌بیند تا به آن دل ببندد و مونس را نمی‌یابد تا با او انس بگیرد.

تقید به اطاعت از خدا

وقتی کسی به آن مقام رسیده باشد که درون جمال احدیت را مشاهده کند و خودش را در محضر او ببیند، بدن شک از دستوراتش پیروی خواهد کرد. و ممکن نیست انسان به مقام شهود و انس رسیده باشد ولی نسبت به او امر و نواهی خداوند متعال تقید و تعهد

کامل نداشته باشد. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ذکر بدین معناست که وقتی با چیزی مواجه می‌شوی که خدای

تعالی به آن امر کرده آنرا انجام دهی و اگر نهی کرده بپرهیزی» (بحارالانوار _ ج ۹۳ - ص ۱۵۵)

خضوع و فروتنی

کسی که قدرت و عظمت خدای متعال را مشاهده کند قهراً در برابر او خاضع می‌شود و از ضعف و قصور خویش همواره شرمنده و سرافکنده است.

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی می‌فرمایند: «معرفت تو، به اینکه مورد توجه خدا قرار گرفته‌ای باعث خضوع و حیا و شرمندگی

تو خواهد بود» (بحارالانوار _ ج ۹۳ - ص ۱۵۸)

عشق به عبادت

یکی دیگر از آثار نیل به مقام شهود، علاقه شدید به عبادت و لذت بردن از آن است زیرا کسی که به بارگاه عظمت و قدرت پروردگار جهان باز یافته و خود را در محضر پروردگار جهان مشاهده می‌کند لذت مناجات و انس و راز و نیاز را بر هر لذت دیگری ترجیح خواهد داد. همین بندگان خاص الهی هستند که خدای را بدان عبادت می‌کنند که سزاوار پرستش است، نه به امید ثواب یا خوف از عقاب.

آرامش و اطمینان

دنیا محل گرفتاری و رنج و اندوه است این قبیل امور غالباً آسایش و آرامش را از انسان می‌گیرند. اما بندگان خاص خدا که به ذکر

و انس با او مشغولند نگرانی و اندوه ندارند چون خدا را دارند همه چیز دارند. به امور دنیا دل نبسته‌اند تا از فقدان آنها در ترس و

اندوه باشند. به منبع کمالات و خیرات دل بسته‌اند که فاقد کمالی نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هر کس که از تفسیر کلمه

ذکر و اهل ذکر ما اعراض کرد زندگی سختی خواهد داشت» (سوره طه _ ۱۲۴)

توجه خدا به بنده

هنگامی که بنده، خدا را یاد کند خدای متعال نیز متقابلاً بنده‌اش را مورد عنایت و توجه قرار خواهد داد. خداوند متعال در قرآن

می‌فرماید: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» (سوره بقره _ ۱۵۲)

محبت خدا نسبت به بنده

یکی از آثار و نتایج ذکر ، محبت خدا نسبت به بنده است از آیات و احادیث استفاده می‌شود که وقتی بنده به یاد خدا باشد و از او پیروی نماید خدای متعال نیز متقابلاً او را دوست می‌دارد. در قرآن می‌فرماید : «به مردم بگو ، اگر واقعاً خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم از شما را دوست بدارد» (سوره آل عمران/۳۱)

آثار مهم‌تر

سالک در اثر تزکیه نفس و تداوم بر ذکر به مقامی می‌رسد که بوسیله چشم و گوش باطن ، حقایقی را مشاهده و استماع می‌کند که با چشم و گوش ظاهر قابل روئیت و استماع نیست. علوم و معارفی بر قلبش وارد می‌شود و کشف و شهودهایی دارد که از سنخ علوم متعارف نیست. سالک به مقامی می‌رسد که از همه اشیاء حتی از نفس خویش غافل می‌شود و جز به وجود غنی ذات اقدس توجهی ندارد.

موانع ذکر از دیدگاه قرآن

چنانچه گفته شد ذکر خداوند متعال با زبان و قلب راه غفلت زدایی است ولی گاهی موانعی بر سر راه قرار می‌گیرند که انسان را از تفسیر کلمه ذکر و اهل ذکر و یاد خداوند غافل نموده و سرگرم لذائذ مجازی و زود گذر دنیوی می‌نماید. قرآن کریم موانع ذکر را در سه عامل می‌داند :

شیطان

خداوند در قرآن می‌فرماید: «اساهم ذکر الله ؛ شیطان آنها را از یاد خدا غافل کرد» (سوره مجادله/۱۹)
تکاثر و رقابتها

خداوند می‌فرماید: «الهیکم التکاثر ؛ شما را افزون خواهی سرگرم نمود» (سوره تکاثر/۱)

آرزوها و خیال

در قرآن می‌فرماید: «وَلِيْلَهُمُ الْاَمَلُ ؛ آرزو آنها را سرگرم نمود» (سوره حجر/۳)
رسول اکرم(ص):

اگر بنده به خیرات و برکات ماه مبارک رمضان آگاه باشد دوست خواهد داشت تمام سال رمضان باشد.
علامه طباطبایی (ره) :

دعای سحر حضرت امام محمدباقر(ع) را فراموش نکن که در آن «بهاء و جمال و جلال و عظمت و نور و رحمت و علم و شرف» است و حرفی از «غلمان و حوری» نیست. اگر بهشت شیرین است، بهشت آفرین شیرین تر است.

یکی از دستورات آقای قاضی به شاگردانشان، قرائت هزار مرتبه سوره قدر در هر شب بود و می‌فرمودند که اگر کسی توفیق انجام این کار را پیدا کند، شب قدر را درک می‌کند.

حضرت آیت الله العظمی بهجت:

برای درمان عصبانیت با عقیده کامل بر محمد و آل محمد صلوات بفرستید.

و برای دوری از ریا با عقیده کامل زیاد بگویید: لا حول و لا قوه الا بالله.

زیاد گفتن حوقله علاج غرور است.

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره):

بنده عمری است خود را با ذکر لا حول و لا قوه الا بالله حفظ کرده ام.

هر کس در روز پنج شنبه سیصد

بسم الله الرحمن الرحيم مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً

(سوره فاطر آیه ۱۰)

نزد علماء و فضلاء عزیز شود. تحصیل علوم بر او آسان شود. خبرهای خوش بشنود که از آن خوشحال و خشنود شود. از مال دنیا

غنی شود. بر دشمن پیروز شود و جمله مرادات یابد انشاء الله.

بر گرفته از کتاب جواهر المکنونه فی الاذکار

از امیر المومنین علی علیه السلام مرویست که:

هر که خواهد دعا او مستجاب شود و فضیلت روز جمعه را دریابد پیش از ظهر چهار رکعت نماز گذارد و در هر رکعت فاتحه یکبار و

آیه الكرسي و سوره توحید هر یک یازده بار بخواند و بعد از نماز هفتاد بار بگوید <<استغفر الله>> و پنجاه مرتبه بگوید <<لا حول

ولا قوه الا بالله>> و پنجاه مرتبه بگوید <<لا اله الا الله وحده لا شریک له>> و پنجاه مرتبه بگوید <<صلی الله علی النبی

الامی و آله>>

چون این عمل را بجا آورد بر نمی خیزد از جای خود مگر اینکه آمرزیده شود و از آتش جهنم آزاد شود و دعایش مستجاب شود به

لطف خداوند بخشنده مهربان. به شرط آنکه آنچه خواهد خلاف شرع نباشد.

حضرت آیت الله کشمیری:

خواندن آیت الكرسي روزی بیست و یک مرتبه برای حافظه مفید است.

برای زیاد شدن یقین انسان مداومت بر سوره توحید مفید است.

ختم ناد علی(ع)

به بهانه میلاد پر برکت مولود کعبه حضرت علی(ع)

حضرت آیت الله کشمیری(ره): هر مشکلی که برایم در نجف پیش می آمد، می رفتم صحن امیرالمؤمنین و هفت بار «ناد علی» را می خواندم مشکلم حل می شد.

ناد علی برای پیدا شدن گمشده و بازگشت غایب بسیار مؤثر است. باید لااقل روزی ۱۱۰ بار بخواند: «نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَائِبِ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَيَنْجَلِي بِوَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ».

هر کس در جمعی گرفتار باشد هفت بار بخواند و بر آنان بدمد ضرری از آنها به او نرسد.

جهت رفع گرفتاریهای مهم خواندن هزار بار ختم ناد علی مؤثر است.

جهت رفع تهمت صبح و شام چهل بار بخواند تا رفع گردد.

جهت غنی شدن هر صبح دوازده بار.

جهت چشم زخم سه روز هر روز بیست بار بخواند

جهت خواب دیدن حضرت رسول(ص) هر شب هفت بار بخواند.

جهت کسب علم، وقت نماز صبح هفده بار.

جهت رفع اختلاف بین جمعی هر روز سی بار بخواند.

جهت دفع مکر و حیله و طغیان دشمن هر روز صد بار بخواند.

جهت قوت قلب هر روز بیست و پنج بار بخواند.

جهت عزت هر روز ده بار بخواند.

اول روز جمعه دوازده بار بخواند مقبول القول گردد.

جهت خلاصی از حبس هفت روز، روزی شانزده بار بخواند.

منبع: کتاب شریف هزار و یک ختم

تأیید مرجعیت شیخ انصاری توسط امام زمان(عج)

پس از فوت مرحوم صاحب جواهر مردم به شیخ مرتضی انصاری مراجعه کردند و از او رساله عملیه خواستند شیخ انصاری فرمود:

من یقین به لیاقت خود برای این مقام ندارم لذا اگر مولایم حضرت ولی عصر(عج) به من اجازه اجتهاد بدهند و مرا برای این مقام

تعیین کنند من آنرا قبول خواهم کرد روزی معظم له در مجلس درس نشستند بود و شاگردان هم اطرافش نشسته بودند دیدند

شخصی که آثار عظمت و جلال از قیافه اش ظاهر است وارد شد و شیخ انصاری به او احترام گذاشت او در حضور طلاب رو کرد به

شیخ و فرمود: نظر شما درباره زنی که شوهرش مسخ شده چیست؟ شیخ انصاری عرض کرد که: چون در کتابها این بحث

عنوان نشده من هم نمی توانم جواب دهم. فرمود: حالا بر فرض که یک چنین کاری انجام شد و مردی مسخ گردید زنش با او چه

کند؟ شیخ انصاری عرض کرد: به نظر من اگر مرد به صورت حیوان مسخ شده باشد زن باید عده طلاق بگیرد و بعد شوهر کند چون مرد زنده است و روح دارد ولی اگر شوهر به صورت جماد درآمده باشد زن عده وفات بگیرد زیرا بصورت مرده درآمده است. آن آقا سه مرتبه فرمودند: «انت المجتهد انت المجتهد انت المجتهد» یعنی تو مجتهدی و پس از این کلام آقا برخاست و از جلسه درس بیرون رفت شیخ انصاری دانست که او حضرت ولیعصر(عج) است و به او اجازه داده اند لذا فوراً به شاگردان فرمود: این آقا را دریابید شاگردان برخاستند هر چه گشتند کسی را ندیدند لذا شیخ بعد از این جریان حاضر شد رساله عملیه اش را به مردم بدهد تا از او تقلید کنند.

تشرف کودک و عنایت محبوب

روز ۱۶ شعبان ۱۴۱۵ بچه ۹ ساله ای از طبقه بالای ساختمان مرتفع سقوط می کند و از همان جا صدا می زند «یا صاحب الزمان» اطرافیان که سقوط بچه را دیدند بلافاصله می دوند و سراسیمه به محل حادثه می رسند در حالیکه همه یقین داشتند که این پسر بچه یا مرده و یا زخمی شده اما ناگهان می بینند پسر بچه از روی زمین صحیح و سالم برخاست و مشغول راه رفتن است، دورش جمع می شوند و می پرسند چه شد؟ می گوید من می خواستم شخصی را که در پایین است ببینم خود را خم کردم و چون او از نظرم دور می شد بیشتر خم می شدم تا اینکه تعادل خود را از دست دادم و پرتاب شدم به طرف زمین به ذهنم رسید که پدر و مادرم در تمام گرفتاریها امام زمان را صدا می زنند من هم صدا زدم «یا صاحب الزمان» بلافاصله متوجه شدم آقای مرا گرفت و مرا سالم روی زمین قرار داد.

شیفتگان، ج ۲، ص ۴۴۲

حضرت آقا سید ابوالحسن هاشمی(از شاگردان حاج میرزا جواد ملکی تبریزی) می فرمود:

در حرم حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) یک فردی آمد و سؤال کرد که هذا قبر الحسین(ع) «این قبر امام حسین(ع) است» چندین بار سؤال خود را تکرار کرد. یک مرتبه جواب آمد بله این قبر حسین است. آن فرد صیحه ای کشید و از دنیا رفت.

و در حرم حضرت ابوالفضل یک مردی با بچه فلجش آمد و با ناراحتی به عربی گفت بعد از هفت سال که بچه خواستم این را به من دادی؟! و بچه را به سوی ضریح پرت کرد. فرزند همین که بر زمین افتاد شروع به دویدن کرد و شفا یافت.

عنایت آقا سید الشهداء(ع)

قبل از اینکه عبدالمحمد به دنیا بیاید خداوند ۱۲ فرزند به من عنایت نمود، که همگی

فوت کردند. وقتی خبر فوت آخرین فرزندم را شنیدم در مجلس روضه حضرت ابا عبد الله الحسین(ع) در مسجد بودم. بعد از روضه

خواب بر من غالب شد در عالم رؤیا حضرت سیدالشهداء را زیارت کردم. به آن حضرت از فوت فرزندانم شکایت نمودم. عرض کردم

آقا چرا به من کمک نمی کنید تا فرزندانم زنده بمانند؟ حضرت رو به من کردند و فرمودند: «فلانی خداوند سال آینده به شما پسری عنایت می کند نام او را عبدالمحمد بگذار.»

عبدالمحمد در اقتدا به حضرت علی اکبر(ع) فرزند بزرگوار امام حسین(ع) به هنگام شهادت با فرق شکافته به دیدار خدا شتافت. پدر بسیجی شهید «عبدالمحمد ملکپور»
عنایت آقا ابوالفضل العباس(ع)

روز سوم شعبان سال ۷۸ که سالروز ولادت آقا اباعبدالله است دوستان به میمنت شب چهارم شعبان که سالروز میلاد آقا قمر بنی هاشم است، کیک پخته بودند و خودشان را آماده کرده بودند جشن ولادت آقا را برگزار کنند. من در خلوت خطاب به حضرت قمر بنی هاشم گفتم: «آقا من که رو سیاهم، این بچه ها تلاش می کنند ببینید چگونه به عشق شما توی این بیابان برای شما کیک پخته اند، ما مدتی است هیچ شهیدی را پیدا نکرده ایم، فردا هم روز ولادت شما بزرگوار است، این مقرر هم به نام خود شماست. آقا شما خودتان عنایتی کنید؛ عیدی به این بچه ها بدهید» ما از فردای آن روز یعنی چهارم شعبان تا نیمه شعبان در واقع طی یازده روز پیکر پاک یازده شهید را پیدا کردیم.

سردار باقرزاده - مسؤل گروه تفحص شهدا

قاضی القضاة مات می شود

به بهانه میلاد جواد الائمه

روزی حضرت جوادالائمه از یحیی بن اکثم پرسید: به من بگو در مورد مردی که در بامداد به زنی نگاه می کند و آن نگاه حرام است، و چون روز بالا آید آن زن بر او حلال شود، و چون ظهر می شود باز بر او حرام می شود، و چون وقت عصر می رسد بر او حلال می گردد، و چون آفتاب غروب می کند بر او حرام می شود، و چون وقت عشا می شود بر او حلال می گردد، و چون شب به نیمه می رسد بر او حرام می گردد و به هنگام طلوع فجر بر وی حلال می گردد؟ این چگونه زنی است و با چه چیز حلال و حرام می شود؟

یحیی گفت: به خدا قسم من به پاسخ این پرسش راه نمی برم و سبب حرام و حلال شدن آن زن را نمی دانم، اگر صلاح می دانید از جواب آن ما را مطلع سازید.

ابو جعفر(ع) فرمود: این زن کنیز مردی بوده است. در بامدادان، مرد بیگانه ای به او نگاه می کند و آن نگاه حرام بود، چون روز بالا می آید، کنیز را از صاحبش می خرد و بر او حلال می شود، چون ظهر می شود او را آزاد می کند و بر او حرام می گردد، چون عصر فرا رسد او را به حباله نکاح خود در می آورد و بر او حلال می شود، به هنگام مغرب او را ظهار(نسبت خواهر و مادر دادن به همسر)

می کند و بر او حرام می شود، موقع عشا کفاره ظهر می دهد و مجدداً بر او حلال می شود چون نیمی از شب می گذرد او را طلاق می دهد و بر او حرام می شود و هنگام طلوع فجر رجوع می کند و زن بر او حلال می گردد.

قاضی القضاة از علم امام مبهوت می ماند.

یاعلی جان تربت زهرا کجاست

یادگار غربت زهرا کجاست

تا ز نورش دیده را روشن کنم

بر مزارش شعله ها بر پا کنم

آه از آن ساعت که آتش در گرفت

جام را از ساقی کوثر گرفت

یاد پهلویش نمازم را شکست

فرصت راز و نیازم را شکست

آه زهرا تا ابد جاری بود

دست مولا تشنه یاری بود

شاعر: زنده یاد آقاسی